گفت‌وگو

رئیس سازمان اطلاعات سپاه تشریح کرد

نقش‌آفرینی ۱۰ سرویس خارجی در فتنه دی‌ماه

۳ماه قبل از آشوب دی ماه پروژه براندازی دشمن را به مقامات تصمیم‌گیر ارسال کرده بودیم

وقایع تلخ دی ماه ۱۴۰۴ را باید همه‌جانبه و از منظرهای مختلفی مورد ارزیابی قرار داد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این ماجرا، بعد امنیتی آن است. دشمنان مردم ایران در یک طراحی چند لایه و پیچیده و با استفاده از برخی زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی و اجتماعی، سعی کردند یک بار دیگر رؤیای ۴۷ ساله خود درباره جمهوری اسلامی ایران را دنبال کنند و البته این بار هم مثل گذشته، دچار خطای محاسباتی شدند و نشناختن مردم ایران به عنوان عاملی کلیدی، طرح آنان را ناتمام و ناکام کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم آذربایجان‌شرقی با تشریح ابعاد فتنه امریکایی دی ماه ۱۴۰۴ و تأکید بر ضرورت تحلیل ابعاد این فتنه از سوی اهل فکر و تحلیل فرمودند: «راجع به این فتنه، من در یک کلمه به شما بگویم: عزیزان من! آنچه اتفاق افتاد، یک «کودتا» بود که شکست خورد...» رسانه KHAMENEI.IR بر همین اساس، برای بررسی زمینه‌ها، ابعاد، چگونگی شکست فتنه امریکایی- صهیونی دی ماه ۱۴۰۴ و برنامه‌های احتمالی دشمن برای آینده، با سردار سرتیپ پاسدار مجید خادمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت‌وگو کرده است.

■■■

آیا در فتنه اخیر، دستگاه امنیتی غافلگیر شد؟

بروز جنگ تحمیلی ۱۲روزه و شکست خفت‌بار رژیم‌صهیونیستی که متأثر از تصمیم حکیمانه و سریع رهبر معظم انقلاب در انتصاب فرماندهان، انسجام ملی حول محور رهبری و ایران عزیز، هماهنگی تمامی شئون حاکمیت، بیگانه‌ستیزی تاریخی مردم و برخورد قاطع و دشمن‌شکن نیروهای مسلح با تجاوز دشمن بود، برآوردها از میزان انسجام داخلی کشور نزد سرویس‌های اطلاعاتی را تغییر داد؛ چه اینکه آنها براساس خطای محاسباتی، فکر می‌کردند با آغاز حمله به ایران، مردم ناراضی به خیابان‌ها می‌آیند و نظام را سرنگون می‌کنند، حتی نخست‌وزیر رژیم هم در روز دوم جنگ، صراحتاً از مردم ایران خواست به خیابان‌ها بیایند. این خطای برآوردی و شکست ناشی از آن، نقشه عملیاتی دشمن را از اولویت جنگ نظامی به ایجاد آشوب در کشور با هدف تضعیف انسجام ملی تغییر داد، حتی برخی سرویس‌های امنیتی دوست ما هم به این نقشه اشاره کرده بودند. آنها به صراحت به ما می‌گفتند که «دشمن برنامه‌های خود را برای ضربه نظامی به ایران کنار نگذاشته و در حال حاضر تلاش‌های خود را نه برای حمله نظامی مستقیم، بلکه ایجاد آشوب داخلی و بی‌ثباتی در ایران معطوف داشته است.» برای عملیاتی‌سازی این پروژه دشمن به چند ماه برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی نیاز داشت. تلاش‌های دشمن برای ایجاد و تثبیت حالت انتظار «نه جنگ و نه صلح» و معتبرسازی سایه جنگ در کنار ایجاد تکانه‌ها و فشار اقتصادی به کشور برای بهره‌گیری از زمینه‌های موجود در کشور، در همین راستا تحلیل می‌شود. همزمان از سویی عملیات شناختی چند لایه و بالا بردن سطح خشونت در محیط فضای مجازی و از سوی دیگر، شبکه‌سازی گسترده در شبکه‌های اجتماعی در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی قرار گرفت تا در موعد مشخص، امکان «ضربه بزرگ» فراهم شود. برای همین هم از همان روزهای ابتدایی توقف جنگ، تمامی تلاش‌ها برای پیشگیری و مدیریت گستره و عمق آشوب احتمالی آغاز شد که دعوت و احضار ۲هزار و ۷۳۵ نفر از عناصر مرتبط با شبکه‌های ضدامنیتی، ارشاد ۱۳ هزار نفر از عناصر آسیب‌پذیر، آگاه‌سازی اقشار، اصناف و جمعیت‌های در معرض تهدید، کشف هزار و ۱۷۳ قبضه سلاح جنگی و شکاری غیرمجاز و شناسایی ۴۶ نفر از اعضای شبکه همکار سرویس‌های بیگانه، بخشی از تلاش‌های صورت گرفته، فقط در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. در خصوص غافلگیری هم باید بدانیم که این موضوع را می‌توان به ابعاد مختلفی همچون غافلگیری اطلاعاتی، غافلگیری عملیاتی، غافلگیری در «باور» به احتمال بروز آشوب، غافلگیری در زمانبندی و نوع مواجهه با خیابان تقسیم کرد. در خصوص این آشوب نیز از حدود سه ماه قبل، گزارشات متعددی ناظر به بررسی راهبردی و بروز هشدار در خصوص برنامه هفت مرحله‌ای دشمن برای پروژه براندازی در کشور به مقامات تصمیم‌گیر در لایه اطلاعاتی تهیه و ارسال شد. اقدامات متعددی هم در خصوص اشراف و پیشگیری از بروز اغتشاش در کشور انجام پذیرفت. بخشی از تصور غافلگیری هم به دلیل تصمیم دشمن مبنی بر استفاده از خشونت افسارگسیخته است. شاید اگر سوءاستفاده آشوبگران از صفوف معترضان، حمایت و ورود مستقیم دشمن به حمایت سیاسی و امنیتی، استفاده افراطی از روش‌های خشونت‌آمیز از سوی آشوبگران آموزش دیده و احتیاط نیروهای حافظ امنیت برای مدیریت پروژه کشته‌سازی نبود، آشوب رخ داده خیلی زودتر از این مهار می‌شد.

رهبر انقلاب از وقایع اخیر به عنوان کودتا و شبه کودتا یاد کردند. نظر شما در این مورد و تفاوت‌ها و شباهت‌های ماجرای اخیر با کودتا چیست؟

اگر کودتا را «دخالت قهرآمیز خارجی (نیمه‌سخت و سخت) با هدف براندازی دولت یا حکومت مستقر با استفاده از نیروهای نیابتی» بدانیم، آن وقت خواهیم دید اتفاقاً فتنه و آشوب دی ماه، واقعاً چیزی شبیه کودتاست. شبیه آنچه که قبلاً در سال ۱۳۳۲ و در کودتای ۲۸مرداد یا در چند دهه اخیر در کشورهای مختلف آسیایی و امریکای لاتین دیده‌ایم. شواهد میدانی آشوب دی ماه هم به ما نشان می‌دهد دشمن در این پروژه هم هزینه‌های مادی زیادی از طریق رمز ارزها صرف کرد؛ هم تلاش‌های گسترده‌ای برای سازماندهی، شبکه‌سازی و هدایت نیروهای میدانی اعم از گروهک‌های تروریستی و سیاسی در بستر شبکه‌های اجتماعی و محکومان جرائم خشن و اراذل و اوباش داخلی، مثل شعبان بی‌مخ‌های سال ۱۳۳۲ انجام داد؛ هم فشارها و تکانه‌های اقتصادی زیادی بر ما وارد کرد و همه اضلاع مخالف جمهوری اسلامی را نیز برای تحت فشار قرار دادن ایران متقاعد کرد. در عین حال، این شبه کودتا به دلایل زیر، امکان بروز عملیاتی نیافت و شکست خورد:

۱. تعجیل دشمن در سوءاستفاده از فرصت اصلاح ارز ترجیحی و لایحه بودجه به نحوی که برخی از شبکه‌ها و ظرفیت‌های دشمن، نتوانستند آمادگی عملیاتی پیدا کنند. ۲. تنفر تاریخی ملت ایران از چهره‌های اپوزیسیون مطرح شده و بی‌اعتمادی عمیق به مقامات امریکا و رژیم‌صهیونیستی و خشم از مواضع صریح مداخله‌گرانه با کلیدواژه‌هایی مثل «کمک در راه است». ۳. اختلاف نظر درون گروهک‌های ضدانقلاب سنتی در خصوص نحوه و زمان ورود به آشوب و عدم پذیرش محوریت سلطنت‌طلب‌ها. ۴. عدم بروز شکاف سیاسی در داخل به ویژه در دولت و مجلس و نیروهای سیاسی داخلی به رغم مواضع برخی از سران فتنه و گروه‌های منفور سیاسی. ۵. فاصله‌گذاری نظام اسلامی میان معترضان و آشوبگران. ۶. برخورد قاطع و هوشمند دستگاه‌های امنیتی و انتظامی با آشوبگران. ۷. ایستادگی جدی دستگاه‌های نظامی و دیپلماتیک در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و تهدیدات نظامی روزافزون امریکایی‌ها.

تحلیل شما از نقش سرویس‌های امنیتی دشمن در فتنه اخیر چیست؟ چند سرویس درگیر بودند و طرح و شیوه عمل آنان چگونه بود؟

در این آشوب، سرویس‌های اطلاعاتی، نقشی بارز و البته مؤثرتر از همه داشتند. طراحی، توزیع نقش، شبکه‌سازی، آموزش، پشتیبانی اطلاعاتی و حتی هدایت میدانی آشوبگران عمدتاً از طریق فضای مجازی بر عهده اینها بود. همان‌طور که در بیانیه سوم سازمان اطلاعات سپاه اشاره شد، حداقل ۱۰ سرویس اطلاعاتی به‌طور مستقیم در این آشوب نقش داشتند که در این میان نقش واحد ۸۲۰۰ سرویس اطلاعات نظامی ارتش رژیم از طریق به‌کارگیری تعداد محدودی کاربر حقیقی و میلیون‌ها روبات در بستر فضای مجازی قابل توجه است. فارغ از تغییر مدل شبکه‌سازی سرویس‌ها و عبور از روش‌های سنتی به شکل مدرن آن در استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی که سرویس اطلاعاتی را در لایه‌ای از امنیت فیزیکی قرار می‌دهد، طبیعتاً منتسبان به سرویس‌ها با کسب آموزش‌های ویژه، کمتر به دام نیروهای امنیتی دچار می‌شوند اما در عین حال، همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، قبل از شروع بحران، روند برخورد با مرتبطان با سرویس‌های امنیتی دشمن شروع شد و تا زمان بروز آشوب هم ادامه داشت.

> **دشمن به خوبی می‌داند گروهک‌های تروریستی در درون جامعه ایرانی، از سرمایه اجتماعی خاصی برخوردار نیستند و حتی در میدان هم از انجام اقدامات مؤثر، عاجز هستند، برای همین تلاش کرد از مسیر دستکاری شناختی، دنیای موازی با وضعیت حقیقی کشور در شبکه‌های اجتماعی بسازد و با میداندار اراذل و اوباش، از میان جوانان و نوجوانان یارگیری کند**

چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین روش‌های خشونت‌آمیز این گروه‌ها و روش‌های داعش وجود دارد؟

آنچه در این ایام از سوی آشوبگران تروریستی با هدایت سرویس‌های غربی به وقوع پیوست، بیانگر بازتولید گونه جدید از رفتارهای داعش‌گونه بود. امریکایی‌ها به خیال موفقیت روش‌های خشونت‌بار و رعب‌آور در سوریه که تأثیر آن در ایجاد هراس و هرج و مرج و رفتن یک کشور تا لبه فروپاشی عیان شد، می‌خواستند مجدداً به این روش متوسل شوند که متأسفانه تعدادی از شهدای مردمی و امنیتی در این ایام، قربانی این خشونت تمام‌عیار شدند. در این آشوب، سرویس‌های غربی مشابه بهره‌برداری داعش در شست‌وشوی مغزی برخی جوانان و وادارسازی آنان به انجام اقدامات خشن حتی با استفاده از مواد مخدر و داروهای روانگردان از جمله سوزاندن افراد، سر بریدن و مثله کردن وارد عمل شدند. نکته قابل توجه اینکه اگر در سوریه و عراق، داعش با تابلوی دفاع از دین، مردم را می‌کشت، در آشوب اخیر، به تعبیر رهبر معظم انقلاب ما با داعشی نو مواجه بودیم که اتفاقاً مردم را به جرم دینداری سر می‌برید.

به نظر می‌رسد کشته‌سازی یکی از اهداف اصلی ماجرا بود و متأسفانه تعداد قابل توجهی نیز جان خود را از دست دادند. درباره چرایی و چگونگی اجرای این هدف از سوی طراحان و عوامل میدانی توضیح بفرمایید.

موضوع کشته‌سازی در همه فتنه‌های پیشین هم مورد توجه دشمن بود، اما در این آشوب، دشمن حساب ویژه‌ای برای کشته‌سازی و کشته‌گیری باز کرده بود تا حدی که موضوع «فتح تهران» و «حمله به ایران به شرط کشتار معترضان» از سوی رئیس‌جمهور امریکا به عنوان نوعی «اسم رمز» اعلام شد. در این باره سرپل یکی از گروهک‌ها به یکی از عناصر میدانی خود دستور داده بود که هرچه بیشتر، نیروهای امنیتی را تحریک به تیراندازی کنند تا تعداد کشته‌ها بیشتر شود و می‌گوید: «حتی اگر آنها این کار را نکردند، خودت اطرافیانت را بکش.» با نگاهی اجمالی می‌توان این‌گونه فهمید که آشوبگران در پروژه کشته‌سازی به دنبال چند هدف بودند:

۱- جریحه‌دار کردن احساسات داخلی و خارجی
۲- ایجاد محرک مشروع برای مداخله خارجی
۳- ایجاد رعب و واگرایی در نیروهای طرفدار نظام اعم از مردم و نیروهای انتظامی و امنیتی
۴- مقابل هم قرار دادن مردم و نظام

تحلیل دقیق نهادهای مسئول از کمپین رسانه‌ای همراه این حوادث چیست؟ نقش شبکه‌های اجتماعی خاص، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین و خبرگزاری‌های بین‌المللی در تشدید یا جهت‌دهی به ناآرامی‌ها چگونه ارزیابی می‌شود؟

در سال‌های اخیر، در کنار جنگ‌های زمینی، دریایی، هوایی و فضایی و اطلاعاتی، مدل جدیدی از نبرد شکل یافته و رشد کرده که به مراتب، پیچیده و مؤثرتر و شاید کم‌هزینه‌تر باشد. جنگ شناختی که از آن با عنوان نبرد قلب‌ها و ذهن‌ها یاد می‌شود، شکل جدیدی از مبارزه را پیش روی ما گذاشته که ایمان، امید، اعتماد، آگاهی و اراده را هدف گرفته است. نبردی که سلاح اصلی آن، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بوده و میدان آن هم، فراتر از جنگ‌های سنتی بلکه در تمامی اذهان آحاد جامعه و حتی منازل افراد است. اساساً هم در فتنه‌های گذشته کشورمان و هم در موارد مشابه در کشورهای خارجی، فضای مجازی و مشخصاً شبکه‌های اجتماعی یک رکن اساسی در ایجاد ناامنی شناختی و شکل‌بخشی و سازماندهی شبکه رزم خیابانی بوده است، اما در آشوب‌های دی ماه، شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار دشمن قرار گرفت؛ ابزاری که به دلیل ضعف در حکمرانی داده در درون کشور، به سلاحی علیه منافع ملی کشورمان در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی تبدیل شده است. در جنگ تحمیلی ۱۲روزه، «کمپین تردید» با هدف:

۱. فریب محاسباتی افکار جهانی
۲. دستکاری شناختی اذهان ایرانیان
و ۳. فروپاشی ادراکی حامیان نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

در آشوب اخیر نیز همانطور که در بیانیه سوم سازمان اطلاعات اشاره شد، «دستکاری الگوریتم شبکه‌های اجتماعی و تأمین محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای برای تحریک به اقدام خشونت‌بار، مکان‌مند کردن فراخوان‌ها، آموزش و ترویج انجام اقدامات هرج‌ومرج‌طلبانه» در دستور کار بازوهای رسانه‌ای آشوب قرار گرفت. گروه‌های تروریستی هم با استفاده از فضای فراهم شبکه‌های اجتماعی در کشور، آموزش به نیروها و پیاده‌نظام خود را در دستور کار خود قرار دادند، حتی شرکت متا نیز در غیر فعال کردن نمایش فهرست دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگان در اینستاگرام برای حساب‌های ایرانی، در پی مصونیت‌بخشی به شبکه داخلی آشوب و به‌کارگیری گسترده از روبات‌ها در پلتفرم‌های ایکس، اینستاگرام و تلگرام برای گسترش پیام‌ها و تصاویر آشوب بود.

پیش‌بینی شما از حرکت بعدی دشمن چیست؟

بررسی اطلاعاتی ما نشان می‌دهد گروهک‌های ضدانقلاب از سویی دچار سرخوردگی از حمایت امریکا شده‌اند و از سوی دیگر، تردید جدی نسبت به توان لیدرها در به سرانجام رساندن عملیات‌های میدانی دارند. اشراف موجود بر عناصر گروهکی ثابت کرده است دشمن به خوبی می‌داند گروهک‌های تروریستی در درون جامعه ایرانی، از سرمایه اجتماعی خاصی برخوردار نیستند و حتی در میدان هم از انجام اقدامات مؤثر، عاجز هستند، برای همین تلاش کرد از مسیر دستکاری شناختی، دنیای موازی با وضعیت حقیقی کشور در شبکه‌های اجتماعی بسازد و با میداندار اراذل و اوباش، از میان جوانان و نوجوانان یارگیری کند که اگر سوءاستفاده از زمینه‌های اقتصادی نبود، هرگز امکان به میدان کشیدن مردم را نداشتند. چه اینکه پیش از این، فراخوان‌های متعدد این گروهک‌ها با «نه» بزرگ ملت مواجه شده بود. در عین حال می‌دانیم که دشمن از برنامه‌ریزی برای ایجاد بی‌ثباتی در داخل ایران ناامید نشده است و می‌کوشد با عملیات روانی گسترده، ضمن ایجاد تزلزل شناختی، در صف مستحکم ملت ایران رخنه و از زمینه‌های موجود در وضعیت داخلی کشور سوءاستفاده کند، اما ضعف اطلاعاتی دشمن از شناخت برنامه‌های متنوع و گسترده جمهوری اسلامی در به چالش کشیدن مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موضوعی است که باید به آن اشاره شود. «جنگ منطقه‌ای» که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره داشتند در کنار توانمندی‌های نرم، نیمه‌سخت و سخت جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای کشور، موضوعی است که دشمن را به خود مشغول کرده است. آنها کاملاً می‌دانند که جمهوری اسلامی تهدیدات موجودیتی را از طریق ضربه به اهداف موجودیتی پاسخ می‌دهد. همین موضوع، آنها را در پیگیری برخی سناریوهای خطرآفرین محتاط کرده است.

تحلیل

فاطمه بصیری

جنگ پهپادی و دست برتر ایران در نبردهای نامتقارن

اقدامات عملی امریکا با وجود آنکه در بطن خود می‌تواند سناریوی فریب ایران را داشته باشد، اما از زاویه‌ای دیگر بیانگر نوعی تردید در ساختار تصمیم‌گیری کاخ سفید در اجرایی کردن تهدیداتش علیه ایران در این برهه زمانی است. ترامپ با وجود گسیل هشدارآمیز ناوهای متعدد به آب‌های منطقه و انبار کردن تجهیزات نظامی، اما رفتاری از خود بروز داده است که بسیاری از تحلیلگران غربی آن را عقب‌نشینی کاخ سفید قلمداد می‌کنند. نقطه اوج آن، عدم‌اقدام نظامی ترامپ است. همان کسی که با توییت‌های آتشین وعده داده بود در ازای هر نیرویش که در خیابان‌ها کشته شود، جنگی به راه خواهد انداخت، برای توجیه بی‌عملی خود در برابر افکار عمومی، مدعی شد فشارهایش باعث توقف اعدام‌ها در ایران شده است؛ ادعایی که پوچی‌اش با اعدام تروریست‌ها از سوی قوه قضائیه اثبات شد. این موضع‌گیری‌های متناقض بیانگر نوعی عدم‌قطعیت و ناتوانی از برآوردها برای تحقق افق پیروزی در کاخ سفید در برابر افزایش بازدارندگی، ترمیم دفاعی و اجتماعی و قدرت مدیریت جنگ در ایران است.

مؤثرترین عاملی که موجبات این بازدارندگی را فراهم کرده، ارائه راهبردهای تقابلی از سوی رهبر معظم انقلاب و هشدارهای عینی ایشان به امریکا در ازای هر گونه ماجراجویی علیه ایران است. تهدید ایشان مبنی بر وقوع جنگ منطقه‌ای و پس از آن، تهدید به نابودی ناوهای امریکایی با سلاح‌های ایرانی از یک برنامه مدون و قطعی شده ایران برای مقابله با امریکا خبر می‌دهد. به معنایی، ایران با رصد دقیق تحرکات امریکا، نه تنها سناریوهای کارآمد تدافعی در نظر دارد که فراتر از آن، قابلیت اجرایی کردن استراتژی‌هایی فراتر از پاسخ متعارف برای بالا بردن سطوح درگیری دارد که منافع منطقه‌ای امریکا چون اسرائیل را تهدید می‌کند. در سوی مقابل هم، برخی از تحلیلگران نظامی و مقامات امریکایی بر ضعف تدافعی ناوهای ادعایی امریکا در برابر حملات پهپادی و موشکی ایران اذعان دارند و آن را نقطه عطفی برای احتمال شکست امریکا در یک جنگ نامتقارن می‌دانند. به عنوان نمونه، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده چندی پیش با طرح اظهاراتی کم‌سابقه، به ناتوانی واشینگتن در پیش‌بینی تحولات آتی ایران اذعان و اعلام کرد ۳۰ تا ۴۰هزار نیروی امریکایی مستقر در سراسر خاورمیانه در برد موشک‌ها و پهپادهای ایران قرار دارند.

یک کارشناس برجسته نظامی پهپادی امریکایی نیز در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز انبوه پهپادهای ایرانی را یک تهدید جدی برای دارایی‌های نظامی امریکا در خاورمیانه دانست. کامرون چل، مدیرعامل و یکی از بنیانگذاران شرکت دراگنفلای هشدار داد که اتکای روزافزون ایران به سامانه‌های بدون سرنشین ارزان‌قیمت، خطری جدی برای دارایی‌های گران‌قیمت دریایی ایالات متحده از جمله ناوگروه ضربت ناو هواپیمابر یواس‌اس آبراهام لینکلن محسوب می‌شود. وی گفت: «قابلیت‌های پهپادی ایران ارزشی بالغ بر ده‌ها میلیون دلار دارد. ایران با ترکیب کلاهک‌های ارزان‌قیمت با سکوهای پرتاب کم‌هزینه که اساساً هواپیماهای هدایت‌پذیر از دور هستند، یک تهدید نامتقارن مؤثر در برابر سامانه‌های نظامی بسیار پیشرفته ایجاد کرده است. او با بیان دست برتری ایران در این عملیات نامتقارن گفت: «این پهپادها یک راه بسیار جدی برای تهدید شناورهای سطحی در اختیار ایران قرار می‌دهند. دارایی‌های امریکا در منطقه بزرگ، کندحرکت و به راحتی روی رادار قابل شناسایی هستند که آنها را به اهدافی قابل حمله تبدیل می‌کند. در عوض، قدرت ایران در همین سامانه‌های پهپادی کم‌هزینه و با حجم بالا نهفته است، به ویژه پهپادهای ضربتی که برای پرواز به سمت هدف و منفجر شدن طراحی شده‌اند.

یک فرمانده سابق اطلاعات نیروی دریایی امریکا نیز با اقرار به اینکه عنوان «نیروی دریایی عظیم (آرمادا)»، کلمه‌ای اغراق‌آمیز است که برای تأثیر روی ایرانی‌ها طراحی شده گفت که ایرانی‌ها یک برنامه فشرده را آغاز کرده‌اند نه فقط برای بازسازی، بلکه برای گسترش موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز و موجودی پهپادهای خود، بنابراین دانستن اعداد دقیق در آنجا سخت است، اما آنها به اندازه کافی آهن‌آلات دارند که می‌توانند با همه این خانواده‌های مختلف سیستم‌ها، از انواع پهپادها، از پهپادهای رزمی تا موشک‌های کروز، موشک‌های بالستیک ضدکشتی تا انواع موشک‌های بالستیک معمولی که تا بردهای بالاتر می‌روند، منطقه را بمباران کنند.

وی با یادآوری مواضع کشورهای عرب متحد امریکا و هشدار به آغاز یک جنگ منطقه‌ای ادامه داد که ایرانی‌ها قابلیت‌های هم متقارن و هم نامتقارن را توسعه داده‌اند. آنها به طور کامل بررسی کرده‌اند که یک حمله اشباعی برای غلبه بر سامانه‌های دفاعی ما چگونه باید باشد و همه نمونه کوچکی از آن را وقتی آن کشتی تجاری امریکایی حامل نفت خام که تقریباً مورد تهاجم قرار گرفت، دیدند. آنها سال‌هاست تمرین می‌کنند و در واقع عملیات‌هایی برای تصرف کشتی‌ها یا آسیب زدن به آنها با حملات پهپادی یا نیروهای یورش‌برنده با بالگرد یا کار گذاشتن مین‌های چسبی انجام می‌دهند.

تجربه درس‌آموز جنگ ۱۲روزه و حملات مقاومت یمن

علاوه بر این مواضع، امریکا تجربه تلخ عملیات موشکی و پهپادی مقاومت یمن و همچنین ناتوانی سامانه‌های پیشرفته پدافندی چون تاد و گنبد آهنین در برابر پهپادها و موشک‌های ایرانی را در کارنامه ضعف دفاعی خود دارد. پس از ۱۷اکتبر، مقاومت یمن در چارچوب دفاع از فلسطین، چندین بار به ناوگان امریکایی‌ها حمله و موفقیت‌هایی را نیز کسب کرد. علاوه بر آن، ناوهای امریکایی که برای محافظت از حملات یمنی‌ها علیه رژیم اسرائیل آمده بودند، در رهگیری موشک‌ها و پهپادها عاجز ماندند و این امر عمق آسیب‌پذیری ناوگان امریکایی را بر همگان رسوا کرد.

درس جنگ ۱۲روزه ایران و جبهه غربی- عبری نیز سایه سنگینی بر دکترین دفاعی مشترک امریکا و رژیم‌صهیونیستی برای حفاظت از اسرائیل انداخته است. گذر موفقیت‌آمیز موشک‌های نقطه‌زن ایرانی از مجهزترین و پیشرفته‌ترین لایه‌های پدافندی امریکا و رژیم‌صهیونیستی و برخورد با اهداف استراتژیک از پیش‌تعیین‌شده، نشان داد قدرت موشکی ایران توانایی نابودی جغرافیای کوچک اسرائیل را دارد، این در حالی بود که رژیم‌صهیونیستی گمان می‌کرد با به شهادت رساندن فرماندهان ارشد و آسیب به برخی پایگاه‌های موشکی و نظامی ایران، فرصت و حتی قدرت واکنش ایران را تضعیف کرده است و می‌تواند با این ضربه، به اهداف مطلوبش دست یابد، اما میزان خرابی‌ها و ویرانی‌های ناشی از اثرات موشک‌ها در تل‌آویو، به خطر افتادن بقای رژیم‌صهیونیستی را برای مقامات اسرائیل و امریکا جدی‌تر کرد و اکنون نیز تحرکات فشرده و پرتنش امریکا در قبال ایران حکایت از این ادراک دارد، بنابراین ارزیابی‌های امریکا از عملی شدن تهدیدات ایران، پیش‌تر در جنگ ۱۲روزه لمس و سبب موضع‌گیری سراسر زیگزاگی در برابر ایران شده است.

یادداشت

نبرد ناتمام

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۲۴۳ خود نوشته است:

آنچه در دی‌ماه ۱۴۰۴ رخ داد، یک انتحار از سوی دشمن پس از شکست در لایه‌های سخت نظامی بود. پس از ناکامی دشمن در رسیدن به اهداف «جنگ ۱۲روزه» استراتژیست‌های دشمن طرح دیگری را کلید زدند. دشمن با استفاده از یک اکثریت مجازی روباتی به دنبال کشاندن جامعه به داخل «مارپیچ سکوت» بود؛ وضعیتی که در آن انسان‌های مستقل و منصف از ترس حملات و انزوای مجازی سکوت کنند و توده‌های خاکستری، تحت تأثیر «توهم اکثریت»، به سمت هسته‌های سخت آشوب ریزش نمایند.

به گزارش روزنامه فرانسوی فیگارو، استفاده گسترده از لایک‌های ساختگی، بازنشرهای هماهنگ و حساب‌های غیرواقعی، بخشی از جنگ مجازی سازمان‌یافته‌ای است که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و القای حمایت اجتماعی از اپوزیسیون دنبال می‌شود. این روزنامه تأکید کرده است که آنچه در ظاهر به‌عنوان موج مردمی معرفی می‌شود، در واقع محصول مهندسی سایبری و عملیات روانی حساب‌شده است.

تعبیر رهبر انقلاب که آنچه رخ داد «یک کودتا بود که شکست خورد»، صرفاً یک توصیف سیاسی نیست؛ کودتا اضلاعی دارد و یک ضلع آن قطعاً عملیات روانی مدرنی است که در فضای مجازی و رسانه‌های فارسی‌زبان جریان دارد. «فریضه فوری و قطعی» دانستن جهاد تبیین از سوی رهبر انقلاب، در واقع فراخوانی است برای اینکه اجازه ندهیم دشمن با روایت‌های غلط، ذهن مردم را تسخیر کند. اگر جهاد تبیین نبود روایت مظلومیتِ صرف که توسط رسانه‌های بیگانه پمپاژ می‌شد، ممکن بود ذهن برخی از توده‌های خاکستری را تسخیر کند. اما تبیینِ مردمی این حادثه و بصیرت ملت ایران، این نقشه را در چند روز محو کرد و نگذاشت جای جلادان نوداعشی و شهید عوض شود. اگر در سوریه و عراق، داعش با نقاب دین و تکفیر دیگری، مردم را سر می‌برید، در آشوب اخیر با جلادانی داعشی مواجه بودیم که این بار مردم را به جرم دینداری سر می‌بریدند و آتش می‌زدند.

پیروزی در دی‌ماه، مدیونِ شکستنِ مارپیچ سکوت بود که بالاترین نماد آن فریادهای مردم در بیست‌ودوم دی‌ماه در خیابان‌های سرتاسر کشور بود. وفاداران به ایران با مشاهده طمع دشمن به خاک کشور، از انفعال خارج شده و به رسانه‌های سیار تبدیل شدند. دیگر لشکر مجازی روبات‌ها و عملیات دروغ‌های سازمان‌یافته در اینجا فایده‌ای برای دشمن نداشت.

ما در این نبرد ۲هزار و ۴۲۷ شهید -از نیروهای حافظ امنیت تا شهروندان بی‌گناه- تقدیم کردیم. این عدد، سندِ جنایتِ جریانی است که با پولِ پاشیده‌شده در بسترهای رمزارزی و هدایتِ مستقیم واحد ۸۲۰۰ رژیم صهیونیستی، به دنبال «سوریه‌سازی» ایران بود؛ به گفته رئیس سازمان اطلاعات سپاه حداقل ۱۰ سرویس اطلاعاتی به‌طور مستقیم در این آشوب نقش داشتند که در این میان نقش واحد ۸۲۰۰ سرویس اطلاعات نظامی ارتش رژیم از طریق به‌کارگیری تعداد محدودی کاربر حقیقی و میلیون‌ها روبات در بستر فضای مجازی قابل توجه است.

اگر در جنگ ۱۲روزه، هدف نهایی بر فروپاشی ادراکی و دستکاری شناختی حامیان نظام متمرکز بود، در آشوب اخیر، استراتژی دشمن به فاز عملیاتی- میدانی تغییر کرد. به گزارش رئیس سازمان اطلاعات سپاه در این مرحله، بازوهای رسانه‌ای با سوءاستفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی و پمپاژ محتوای ماهواره‌ای، مسیری سه‌گانه را پیش گرفتند: نخست، مکان‌مند کردن فراخوان‌ها، دوم، ترویج عریانِ خشونت و سوم، آموزش سازمان‌یافته برای ایجاد هرج‌ومرج خیابانی.

لذا نوشتن و صحبت کردن درباره فتنه دی‌ماه، بازگشت به گذشته نیست؛ تثبیتِ پادزهری است که حافظه جمعی جامعه را برای برنامه‌های بعدی دشمن آماده می‌کند. نگاهی به الگوی دفع فتنه سال ۸۸ و سیره تبیینی و هشدارهای رهبر انقلاب در آن دوره مؤید این مسئله است و سکوت در این میدان، بی‌طرفی نیست؛ تنها گذاشتن جبهه حق و کوتاهی در انجام وظیفه جهاد تبیین است.

نباید اجازه عادی‌سازی داد و البته که همدستی آشکار دولت رسوای امریکا و رژیم صهیونی با جلادان نوداعشی فارسی‌زبان با هیچ شعبده رسانه‌ای عادی نخواهد شد. اگر امروز ابعادِ این کودتا را با دقت و بدون لکنت بازخوانی نکنیم، دشمن در فتنه بعدی از همین خلأها برای بازتولیدِ شکاف‌ها و تردیدها استفاده خواهد کرد.

خبر

خطیب جمعه تهران:

«دیپلماسی مقتدر» پیام‌آور عزت ملی در جهان است

خطیب جمعه تهران با تأکید بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفت: دستگاه دیپلماسی کشور زمانی می‌تواند به‌درستی از منافع ملی صیانت کند که با تکیه بر اصول «عزت، حکمت و مصلحت» و از موضع اقتدار در عرصه بین‌المللی حضور یابد.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام ابوترابی در سخنانی با اشاره به مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: فروپاشی اقتدار جهان اسلام پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، کشورهای اسلامی را کوچک، تجزیه و گرفتار دکترین‌های بین‌المللی همچون لیبرالیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم کرد و در نهایت تحت سلطه قدرت‌های غربی قرار داد. وی افزود: پدیده‌های وارداتی نظیر ناسیونالیسم نیز نتوانستند در عرصه بین‌المللی از منافع ملت‌های تحقیرشده دفاع کنند، اما انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران راه را برای تحول در روابط خارجی و ارتقای جایگاه ایران و ملت‌های منطقه هموار ساخت.

ابوترابی با اشاره به موضوع مذاکرات دوجانبه ایران و امریکا که این روزها فضای سیاسی جهان، منطقه و کشور را تحت تأثیر قرار داده است، گفت: راهبرد تعریف‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب، امکان حضور مؤثر، مقتدرانه و فعال دستگاه دیپلماسی کشور را در عرصه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده است. این راهبرد بر سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» استوار است. وی تأکید کرد: دستگاه سیاست خارجی باید بر پایه این اصول، نقشه راهی شفاف و دقیق ترسیم و با استواری، شجاعت و اقتدار حرکت کند چراکه دیپلماسی زمانی می‌تواند حافظ منافع ملی باشد که از موضع عزت و قدرت عمل کند. خطیب جمعه تهران با مرور تجربه‌های تاریخی کشور خاطرنشان کرد: در ۲۰۰سال گذشته و به‌ویژه در دوران قاجار و پهلوی، بیش از ۵۰درصد از خاک ایران تجزیه شد. در قرارداد ترکمنچای در اول اسفند حدود ۲۰۰سال پیش، بیش از ۳۰هزار کیلومتر مربع از خاک ایران از دست رفت و پیش از آن نیز در قرارداد گلستان بخش‌های وسیعی از سرزمین کشور جدا شد. اینها نتیجه فقدان عزت و اقتدار در سیاست خارجی بود.

وی در تبیین مفهوم «حکمت» گفت: حکمت به معنای حرکت در قله عقلانیت و دانش است؛ سخنی حکیمانه است که پشتوانه‌ای مستحکم، متقن و خلل